

حرمت ابدی مؤثر بدانیم اگر از هر سه طلاق فقط طلاق اولی عدی باشد و مابقی غیر عدی واقع شود بوقوع طلاق بیست و پنجم حرمت ابدی صورت میگیرد و اگر از هر سه طلاق طلاق دومی عدی و اول و سوم غیر عدی باشد حرمت بوقوع بیست و ششمین طلاق موجود خواهد شد. ولی اگر نظر قانون گذاران ایران را تعقیب نموده و از آن تأسی کنیم تعیین وقوع شش طلاق عدی را موجب حرمت ابدی بدانیم - آنوقت در صورت متناوب بودن طلاقیهای عدی اگر از هر سه طلاق تنها طلاق اول عدی و دو طلاق دیگر غیر عدی باشد وقوع طلاق شانزدهمی ایجاد حرمت خواهد نمود در صورتیکه طلاق دومی عدی باشد هفدهمین طلاق تأثیر در حرمت خواهد نمود.

اشکالی که در اینموضوع باقی است این است: گفتیم در طلاق عدی لازم است پس از طلاق در خلال عده رجوع نموده و بزنی نزدیک نماید - و اگر طلاق نهمی که با این ترتیب واقع شده مؤثر در حرمت ابدی بدانیم لازم می آید که بعد از وقوع طلاق

نهم همینکه مرد رجوع و نزدیکی بزنی نمود زن باو حرام شود بدون اینکه طلاق بعد از نزدیکی واقع شود این فرض بسیار بعید و بلکه فرض غریبی بنظر می رسد و اگر تحریم مؤبدرا موقوف بوقوع طلاق دیگری بعد از طلاق عدی بدانیم مثل اینکه در صورت تفریق بین طلاقیهای عدی طلاق اول از هر سه طلاق عدی باشد و محرم بودن طلاق بیست و پنجم را موقوف بوقوع طلاق دیگری بعد از آن بدانیم که آن طلاق دوم از سه نای اخیر باشد نه سوم - از آن در اینصورت لازم می آید طلاق که موجب حرمت نبوده ایجاد حرمت نماید و آن طلاق دوم از سه طلاق اخیر است زیرا در سایر صور طلاق و در سایر موارد طلاقیکه موجب حرمت است طلاق سوم است نه طلاق دوم و بعلاوه لازم می آید طلاقیکه موقوف بمحلل نبوده محرم باشد برای اینکه طلاق موقوف بمحلل همیشه طلاق سوم است و طلاق دوم هیچوقت محتاج بمحلل نبوده است - و در مقاله دیگر ازدواج مسلمه با غیر مسلم مشروحاً ذکر خواهد شد.

محمد بدیع تبریزی

آمار قضائی

استقراء و آمار

کلمه استقراء در اصل بمعنی قریه پیمائی و بیابان گردی است و در علم منطق عبارت از اثبات حکمی است که در جزئیات قضیه ثابت بوده و برای کلی آن محتاج باثبات باشند که آنهم بنوبه خود باستقراء نام و ناقص تقسیم میشود و چون مربوط بعلم منطق است از بحث آن خودداری میشود اما استقراءیکه مربوط بآمار است بعلم اجتماعی بستگی داشته و مورد مطالعه

واقع خواهد شد.

حال بایستی ملاحظه نمود که آیا فوایدی در بر دارد یا خیر؟ و در صورت داشتن چه نتایجی از آن حاصل میشود؟

اگر با کمال دقت بنگریم آمار استقرائی هم مثل آمار مشاهده بسیاری از مشکلات و معضلات قضائی را سهل و رویه مخصوصی را برای حصول واخذ نتایج و کشف جرائم بیازیرسان و دادرسان میدهد مثلاً میگوئیم هر مجرم و بزهدکاری برای اخفاء گناه و جرم خویش

متوسل بحیل و تزاویری میشود که اگر آن حیل و تزاویر کشف شود جرائم و بزهکاری آنها هم آشکار و هویدا میگردد بنابراین وقتی يك رویه و اسلوب و طریقه اقدام مجرمی را که برای اخفاء گناه بکار برده بدست آوریم از روی آن رویه انواع جرائم و بزهکاریهای مختلفه مترادف آنرا بدون توسل بسائقی میتوان تشخیص و استکشاف نمود من باب مثال چند رویه و طریقه مختلفه حیل بزهکاران و جانیان را و نوع وقوع جرائم که بوسیله آمار استقرائی بدست آمده برای توضیح مطلب و تبیین آن ذیلا می نگاریم:

۱ - جنازه های مکشوفه در آب

هنگامیکه جسد انسانی را در آب مشاهده نمائید ممکن است تصور هزار گونه اعمال متقلبانه گوناگون نموده و براههای خطا بروید گاهی قضیه را ناشی از بی مبالاتی و عدم احتیاط و غفلت و نادانی پنداشته و گوئید شاید عابری در مسیر رود خانه بوده و در اثر طغیان آب قادر بفرار و نجات خود نگشته لذا غرق شده است یا مجرمی کسی را مجروح و مضروب نموده و جسد را برای اخفاء گناه خویش در آب انداخته است یا در اثر تنازع و تخاصم بین دو نفر یکی از آنها دیگر را در زیر آب فرو برده و آنقدر قساوت و جسارت بخرج داده تا دیگری قالب تهی و دنیا را بدرود نموده است و امثال این تصورات برای قضات تحقیق و بازپرسان دادگستری روی میدهد در صورتیکه حقیقت موضوع هیچیک از عوامل فوق الذکر نبوده و علل دیگری موجب اختلاف و فوت شخص گردیده است و بزرگترین مشکلات را برای بازپرسان ایجاد نموده و هیچ قاعده در دست نیست که بوسیله آن بتوان در این قبیل موارد موضوع را تحقیق و تعقیب نمود فقط آمار استقرائی است که میتواند نتایج مطلوبی بما بدهد بعلاوه عادت چنین جاری است که هر گاه جنازه را در آب پیدا نمایند او را

بحال خود نگذاشته فوراً برای بهوش آوردن و بجزریان انداختن قلب و ریتمین تغییراتی در جنازه میدهند که همان تغییرات در اعضا ممکن است موجب محو آثار و علائم گردد در صورتی که اگر جنازه در خشکی یافت شود ممکن است تصور شود که شخص بوسیله گلوله یا شمشیر یا کارد یا هر نوع آلت قتاله دیگری مقتول شده است و فوراً قضیه بوسیله اطباء و متخصصین معاینه و بررسی شده و واقعه مکشوف خواهد شد در هر صورت بازپرسان و دادرسان تحقیق هم نیایستی باتکاء اینکه تعقیب و کشف جنازه های مغروقه در آب غیر مقدور و دشوار است سهل انگاری و بی اعتنائی نموده و جرائم گناهکاران را بدون مجازات و کیفر گذارند بلکه بایستی سعی بلیغ نموده شاید نتیجه مثبتی تحصیل و واقعه را کشف نمایند منتهی دقت و سعی و کوشش و آرامش مطلق باید در حدود محل جنازه حکمفرما بوده باشد زیرا بسا اتفاق افتاده که حادثه قتل را با انتحار یا عکس آن و نیز فوت طبیعی را با مرگ اجباری که بوسیله دیگران واقع شده اشتباه مینمایند که آن اشتباه موجب کندی در تحقیق و عدم حصول بمقصود خواهد شد واقعه زیرین نظر ما را تا حدی تأیید مینماید:

بطوریکه دکتر هانس گرس در تألیفات خود مینویسد یکروز در رودخانه جنازه دختر جوان روستائی را که بکلی فاقد لباس بوده پیدا نموده چون در او اسط تابستان بود و هوا بشدت گرم همه تصور نمودند که دختر دهقانی برای آب تنی برودخانه رفته اتفاقاً غرق شده است معهداً در اطراف جنازه معاینات لازم را نموده تا اینکه معلوم شد دختر جوان حامل طفل چهار ماهه بوده و غرق شده است.

عده از این مشاهدات ناگزیر از نسبت دادن انتحار بدختر جوان شده و گفتند این شخص برای حفظ حیثیات و شرافت خانوادگی هر تکب چنین کاری شده است ولی

تخته عبور و میخهای تخته و برجستگیهای آن بدن او را مجروح نموده از روی این علائم و آثار دادرسی تحقیق معلوم و محقق داشت که قاتل و پدر طفل چهار ماهه همان نامزد دختر جوان بوده است که بعلت عدم رضایت باز دواج دائمی و مخفی داشتن خود ناگزیر از این عمل قبیح شده است زیرا علاوه بر قرائن مزبوره در روز پیش از وفات دختر و کشف جنازه در آب شخص مذکور یعنی قاتل دختر را نزد خود طلبیده و بعد از ملاقات طرفین دیگر اثری از دختر مشهود نگردیده است و این حدس قضات صحیح و حقیقت امر هم همین بوده است زیرا پس از تفحص و بدست آمدن قاتل اقدام بعمل خود نموده است.

اینگونه حوادث و اتفاقات غیر متصوره بسیار موجب سختی و صعوبت تحقیقات و کشف را فراهم مینماید ولی از روی جراحات وارده و اجسام متصله بجد و سایر قرائن و امارات میتوان واقعه را مکشوف داشت مثل اینکه از مشاهده روغن زیتون در لباس مفروقی معلوم داشته اند که در یکفرسخی پلنی بوده که مشغول رنگ زدن دیواره آن بوده اند شخصی را در آب انداخته و مفروق نموده اند بالاخره از روی کوچکترین علائم میتوان پی به حقایق برده و قاتلین و گناهکاران را دستگیر نمود.

آمار استقرائی در مورد غریق و طریقه هدایت آن پس از وقوع یک سلسله جرائم و اخذ آمار از طرق مختلفه هر یک از آنها نتایجی حاصل شده که برای کشف جنازه ها و اجساد مفروقه در آب مفید می باشد لذا در موارد مذکوره بایستی مراتب ذیل را در نظر گرفت:

۱- نقصان درجه حرارت بدن که در اجساد مفروقین مشهود است بهیچ وجه برای اثبات در آب افتادن طبیعی کافی نمیباشد زیرا طبق قاعده علمی هر جسمی وقتی در مایعی افتاد درجه حرارت آن معادل و مساوی با آن مایع خواهد شد مثلا وقتی جسد انسانی در آب

بعد از دقت و ملاحظه در طول پشت و سرین های دختر جوان خطوط قرمز تیره متوازی شبیه بخراش هائی که در بدن اشخاص زنده وارد آمده باشد مشاهده نمودند این موضوع نشان میداد که جنازه قبل از فوت از روی شیئی که دارای آلات نوک تیز از قبیل میخ و امثال آن بوده عبور نموده است و در حال عبور هم حیات داشته دادرسان تحقیق بتردید افتاده و متفکر بودند کدبچه ترتیب واقعه را مکشوف سازند بالاخره متوجه شدند که بایستی اندازه خطوط و شیارهای وارده را ثبت نموده و از روی آن نتایجی تحصیل نمایند و از طرفی بستر رودخانه و اشیاء موجوده آن را مورد بررسی قرار دهند در این ضمن یکفر ژاندارم وارد و پس از ملاحظه هویت دختر را تاحدی روشن نموده و مادر دختر را معرفی نمود هیئت تفتیشیه هم ریشه درخت و پارچه های لباس در اطراف رودخانه بدست آوردند سپس شروع بتحقیقات از مادر دختر نمودند معلوم شد پارچه های لباس مربوط بالیسه زیرین دختر جوان بوده که بواسطه جریان شدید رودخانه و ریشه های درخت تکه تکه شده و در آب افتاده است بالتلیجه پس از اینکه مسیر رودخانه را طی نمودند قطعات لباس غریق را یافته و بمنزل آن زن بدبخت مادر مفروق که در ۱۵۰۰ متری رودخانه بود رسیدند در اینجا تحقیقات قبلی را ادامه داده تا اینکه دانسته شد دختر جوان نامزدی داشته در کنار رودخانه نزدیک آسیای آبی که کار میکرده است هیئت تفتیشیه آسیا را تحت بازجوئی و بررسی قرار داده تا این که تخته بزرگ چوبی که جهت سد نمودن آسیا بکار میرفته کشف نمودند که تخته مزبور دارای دندانهای بوده بفواصل معین فوراً فواصل دندانها را اندازه گرفته و با فواصل خطوط قرمز تیره جسد که قبلا یاد داشت شده بود مقایسه معلوم شد که دختر روستائی قدری بالاتر از محل تخته در آب افتاده و در حالی که جان در بدن داشته از روی

چند مدت در آب مانده غالباً ملاحظه و دقت در آن هارا لازم میدانند ولی گذشته از اینکه نمیتوان بوسیله علائم مزبور فهمید جنازه چند وقت بطور تیقن در آب مانده در تشخیص نوع مرگ هم چندان مؤثر نخواهد بود یعنی معلوم نمیشود غریق را کسی کشته بعد در آب انداخته یا خودش موجب انتحار شده یا اینکه فقط آب عامل مرگ او بوده است.

۵ - علامت دیگری که بموجب آن ممکن است تا اندازه بتتیجه واصل و قضیه را کشف نمود تراکم و انقباض سربستان زنها و آلت مردان میباشد هنگامیکه این حالت برای غریق دست داد معلوم میشود مغروق قبل از در آب افتادن جان در بدن داشته است اگر چه این قاعده هم کلیت ندارد زیرا یسکی از متخصصین امور جزائی معروف آلمان موسوم به هوفمان در سایر اموات و اجساد تجربیات و معایناتی نموده و ثابت کرده است که این حالت تراکم و انقباض برای اکثر اموات بعد از مرگ ممکن است تولید شود اما از روی آمارهای که ما بدست آورده ایم و سنجش و مقایسه که متخصصین نموده اند ۷۵ در ۱۰۰ کسانی که دارای علائم مذکوره بوده اند یاد در حال افتادن در آب جان داشته یا بعد از مرگ بلا فاصله فوراً کسی آنها را در آب انداخته است جعفر وجدانی

افتاد البته درجه حرارت بدن مساوی درجه حرارت آب خواهد شد اعم از اینکه گرم باشد یا سرد پس از روی درجه حرارت پی باصل قضیه و کشف آن غیر مقدور است ولی برای تحقیقات و معاینات کمک و معینی خواهد بود پس معلوم میشود نقصان یا اضافه بودن درجه حرارت یا برودت بتنهایی کافی برای وقوع قتل بطور طبیعی نخواهد بود باید علائم و آثار و نشانی های مختلفه مورد نظر قرار گیرد.

۲ - تغییر رنگ و چهره بطور فوق العاده که گاهی مورد تصدیق هم واقع میشود و اغلب از متخصصین قائل بآن هستند از علائم مشخصه و حتمیه غریق در آب محسوب نمیشود و ممکن است علل خارجی موجب مرگ مغروق شده باشد و بمحض مشاهده تصدیق به مغروقیت ممتنع خواهد بود.

۳ - علامت و نشانه که در اصطلاح اطباء (گوشت مرغ) نامیده میشود در بدن اشخاص غریق دیده میشود همیشه صادق نیست و در بدن اکثر اشخاصیکه بمرگ ناگهانی فوت میکنند دیده میشود.

۴ - تورم دستها و پاها و آرنجها و زانوها و تغییر چهره برنگ بنفش همیشه در جنازه هایی دیده می شود که مدتی در آب مانده اند و برای دانستن اینکه آیا جنازه

بحث در قوانین تجاری انگلستان

تشکیل قرارداد

زیرا هر گاه اعلام قصد نشود مثل اینست که بنیات قلبی اشخاص باید تکیه شود و حال آنکه قضاوت و بازرسی در نیات درونی اشخاص از قدرت قانون بیرون است. قصد و موضوع قرارداد لازم است که از حقایق مسلم الوجود باشد و هنگامی که شواهدی برای

قرارداد هنگامی الزام آور میشود که میانه دو یا چندین شخص منعقد و در آن خصوص موافقت حاصل آمده باشد - بنا بر قوانین انگلستان این اشخاص میباید دارای قصد واحد بوده و آنها هم اعلام نموده باشند